

نمونه سؤالات امتحانی نیمسال اول

فلسفه ۲ [رشته ادبیات و علوم انسانی]

از درس اتا انتهای درس ۶



- ۱- درستی یا نادرستی عبارات زیر را با (ص / غ) مشخص کنید. (۱ نمره)
- الف) ملاصدرا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می‌شود که در کنه و ذات جهان هستی به ودیعت نهاده شده است.
- ب) ارسطو می‌گوید خدا نه دبدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می‌توان به او دست یافت و از او بهره‌مند شد.
- ج) کانت می‌گوید انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می‌کند.
- د) برگسون می‌گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه‌های شخصی درونی ما نهفته است.
- ۲- جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. (۱/۲۵ نمره)
- الف) وجود، وجه مشترک موجودات است و ، وجه اختصاصی آن‌ها است.
- ب) موجودات این جهان به واجب‌الوجودی بالذات وابسته‌اند که آن‌ها را از حالت خارج کرده و پدید آورده است.
- ج) فیلسوف عقل‌گرای قرن هفدهم به نام می‌گوید من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده‌ایم، تصویری دارم.
- د) کانت معتقد است، اختیار و اراده نمی‌تواند ویژگی باشد که ماده‌ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی غیرمادی باشد که فناپذیر است.
- ۳- هر یک از موارد سمت راست، با کدام یک از گزینه‌های سمت چپ مطابقت دارد؟ (۱/۷۵ نمره)
- | | |
|--|---|
| ۱- پایه‌گذار فلسفه تومیسیم | ■ ذهنی و از نظر مفهوم |
| ۲- تفاوت وجود و ماهیت | ■ زئوس |
| ۲- برهان خداشناسی ابن‌سینا | ■ آکوئیناس |
| ۴- شناخت علیت ناشی از توالی پدیده‌هاست. | ■ تجربه‌گرایان |
| ۵- علیت چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست | ■ صحبت کردن درباره خدا با دقت فلسفی بیشتر |
| ۶- خدای آسمان و باران | ■ وجوب و امکان |
| ۷- افلاطون ابداع‌کننده خداشناسی فلسفی | ■ هیوم |
- ۴- با توجه به عقیده ابن‌سینا توضیح دهید که آیا فهم ما از قضیه «انسان حیوان ناطق است» با فهم ما از قضیه «انسان موجود است» یکسان است؟ توضیح دهید. (۱/۵ نمره)
- ۵- رابطه کدام موضوع با محمول خود وجوبی، کدام امکانی و کدام امتناعی است؟ (۰/۷۵)
- الف) زمین هست
- ب) خدا هست
- ج) مثلث دایره است
- ۶- پیام اصلی ابن‌سینا و پیروان او درباره ماهیات و موجودات جهان چیست؟ (۱ نمره)
- ۷- علیت چیست و فرق آن را با سایر روابط مانند دوستی بنویسید. (۱ نمره)
- ۸- فلاسفه مسلمان علیت را از نظر ابزار یا ابزارهایی که با آن شناخته می‌شود، چگونه قاعده‌ای می‌دانند؟ چرا؟ (۱ نمره)
- ۹- اعتقاد به سه اصل علیت، وجوب بخشی علت به معلول و سنخیت چه نتایجی به دنبال دارد؟ (۱/۵ نمره)

- ۱۰- به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (۲/۲۵ نمره)
- الف) در جامعه‌ای که فیلسوفان بزرگ یونان باستان در آن زندگی می‌کردند، باور مردم به خدا چگونه بود؟
- ب) ویلیام جیمز و برگسون برای باور به خداوند چه روشی را در پیش گرفتند؟
- ج) کرکگور درباره ایمان چه عقیده‌ای داشت؟
- د) فیلسوف معتقد به خدا از چه طریقی به خدا اعتقاد دارد و از آن دفاع می‌کند؟
- ه) کدام فیلسوف غربی ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد؟
- ۱۱- علت تامه و علت ناقصه را تعریف کنید. (۱ نمره)
- ۱۲- دو مورد از معانی ممتنع اتفاق را بنویسید. (۱ نمره)
- ۱۳- برهان فارابی برای اثبات وجود خداوند را با فرض اینکه قبول داریم تسلسل علل نامتناهی محال است، بنویسید. (۱/۵ نمره)
- ۱۴- سه قاعده فلسفی ابن‌سینا در اثبات واجب‌الوجود بالذات (خلاصه برهان وجوب و امکان) را بنویسید. (۱/۵ نمره)
- ۱۵- چرا دیوید هیوم دلایل صرفاً متکی بر عقل دکارت در اثبات خداوند را مردود می‌داند؟ توضیح دهید. (۲ نمره)

تَزیسه دو



مؤسسه آموزشی فرهنگی

پاسخ تشریحی

فلسفه ۲ [رشته ادبیات و علوم انسانی]

-۱

الف) غ - ابن سینا ب) غ - افلاطون ج) ص د) غ - ویلیام جیمز

-۲

الف) ماهیت ب) امکانی ج) دکارت د) بدن - نفسی

-۳

۱- پایه گذار فلسفه تومیسم

■ توماس آکوئیناس

۲- تفاوت وجود و ماهیت

■ ذهنی و از نظر مفهوم

۳- برهان خداشناسی ابن سینا

■ وجوب و امکان

۴- شناخت علیت ناشی از توالی پدیده هاست.

■ تجربه گرایان

۵- علیت چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده ها نیست.

■ هیوم

۶- خدای آسمان و باران

■ زئوس

۷- افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی

■ صحبت کردن درباره خدا با دقت فلسفی بیشتر

۴- در عبارت انسان حیوان ناطق است حیوان ناطق که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس، انسان همان حیوان ناطق است. (دو مفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند) بنابراین، حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما حیوان ناطق را بر انسان حمل کنید. اما در عبارت انسان موجود است مفهوم وجود از مفهوم انسان جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد. بنابراین، میان «انسان به عنوان یک چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد. بنابراین، حمل وجود بر هر چیستی از جمله انسان نیازمند دلیل است. حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.

۵- الف) امکانی

ب) ضروری (وجوبی)

ج) امتناعی

۶- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از واجب الوجود بالذات نشأت گرفته اند.

۷- علت چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد، معلول هم پدید نمی آید؛ یعنی، معلول در وجود خود بدان نیازمند است. معلول نیز چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر - که همان علت است - می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است. پس، رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد. به عبارت دیگر تا علت نباشد معلول موجود نخواهد شد. کلمه چرا باز تابی از درک همین رابطه است.

رابطه علیت رابطه ای وجودی است یعنی یک طرف وجودش وابسته به وجود دیگری است، اما در رابطه دوستی دو فرد موجود به عنوان دو طرف رابطه فرض می شوند و سپس میان آن ها دوستی برقرار می گردد.

۸- فلاسفه مسلمان می گویند، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؛ زیرا هر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است.

-۹

اصل علیت ← ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن

اصل وجوب بخشی علت به معلول ← تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

اصل سنخیت میان علت و معلول ← نظم و قانون مندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

-۱۰

الف) مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر یک را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می شمردند.

ب) از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای خداوند استفاده کردند.

ج) معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

د) فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است و از همین طریق هم از خدا دفاع می کند.

ه) کانت

۱۱- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هر یک از عوامل را علت ناقصه و مجموعه عوامل را علت تامه می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است. پس، نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند. حتی اگر یک عامل هم نباشد، مثلاً فرد اراده نکند، نوشتن پدید نخواهد آمد. حال، ممکن است برخی افراد بدون توجه به اراده کردن چنین تصور کنند که همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نمی گیرد.

-۱۲

(۱) معنای اول اتفاق اینکه میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند اما باران نیارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خود به خود باران بیارد.

(۲) معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثال حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

(۳) معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

-۱۳

(الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.

(ب) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است.

(ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سومی نیازمند است. اگر سلسله علتها منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، تسلسل علل نامتناهی پیش می آید و چنین تسلسلی محال است؛ پس، در ابتدای سلسله علتها و معلولها علتی وجود دارد که وجودش وابسته به دیگری نیست؛ یعنی خودش واجب الوجود و علة العلل موجودات دیگر است.

-۱۴

۱- وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.

۲- ممکن الوجود بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آید و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ موجودی که وجود، ذاتی او باشد.

۳- پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

-۱۵

زیرا از نظر هیوم عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. او می گوید مهمترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده، اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. یکی از دلایل این ناتوانی این است که براساس نظم موجود جهان، شما می توانید یک ناظم و مدبر را اثبات کنید اما نمی توانید به یک خالق نامتناهی و واجب الوجود بالذات برسید.